

اندازه‌گیری مزیت‌های نسبی بالقوه فعالیت‌های صنعتی بخش نساجی پوشاک استان ایلام با استفاده از روش هزینه منابع داخلی^(۱)

مهرداد نعمتی

(کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی و عضو هیئت علمی دانشگاه ایلام)

بیژن صفوی

(پژوهشگر ارشد موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب)

چکیده

این مقاله به بررسی و اندازه‌گیری مزیت‌های نسبی بالقوه فعالیت‌های صنعتی تعداد ۱۳ واحد مهم از صنایع نساجی با ۲۳ محصول تولیدی مختلف از واحدهای مذکور در بخش نساجی و پوشاک استان ایلام در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ در راستای توسعه صادرات غیر نفتی می‌پردازد. تحلیل مذکور در چارچوب روش هزینه منابع داخلی (DRC) متکی بر حسابداری قیمت تمام شده انجام شده است، تا تفاوت‌های هر یک از شرکت‌ها و محصولات تولیدی آن‌ها را به تفکیک تعیین نماید.

نتایج حاصل نشان می‌دهد که اکثر کالاهای مورد بررسی از مزیت نسبی بالایی برخوردار بوده‌اند، به طوری که در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ تعداد کالاهای با مزیت نسبی بالا، به ترتیب بالغ بر ۱۵ و ۱۷ کالا از ۲۳ قلم کالا بوده است. از جمله دلایل مزیت نسبی بالای واحدهای مذکور می‌توان به پایین بودن هزینه‌های تولید و خصوصی بودن مالکیت این واحدها اشاره نمود. کاهش و یا کنترل هزینه‌های تولید، تولید انبوه از طریق تخصصی نمودن تولید، گسترش بازار بین‌المللی و رفع تنگناهای زیرساختی صادرات صنعتی استان می‌تواند بر نقش واحدهای مذکور در افزایش صادرات غیرنفتی استان بیافزاید.

واژه‌های کلیدی: مزیت نسبی بالقوه، هزینه منابع داخلی، حسابداری قیمت تمام شده، صنایع نساجی استان ایلام، توسعه صادرات.

۱- مقدمه

حمایت از صادرات کالاها بر پایه مزیت نسبی موجب می‌شود که واحدهای تولیدی داخلی برنامه‌ریزی خود را بر اساس بازار رقابتی در سطح جهان طراحی و به مرحله اجرا بگذارند. موفقیت این واحدها به بازاریابی و هزینه‌ها (قیمت تمام شده) بستگی دارد. راهبرد حمایت از صادرات سبب می‌شود که بنگاه‌های کارا فعال شده و بنگاه‌های غیر کارا طرد گردند.

این سوال همواره توجه دولتمردان را به خود جلب نموده است که چه

کالایی را باید در داخل کشور عرضه نمود و کدام کالا را از خارج خریداری کرد؟ به بیان دیگر چگونه می‌توان یک فعالیت صادراتی را از یک فعالیت وارداتی متمایز نمود؟ برای پاسخ به این سوال باید هزینه‌های واقعی تولید کالاها را از طریق برطرف نمودن تحریف‌ها قیمتی موجود مربوط به محصول و هزینه‌های واسطه‌ای آن، مشخص نمود. یکی از معیارهای مناسب جهت دستیابی به این منظور معیار هزینه منابع داخلی می‌باشد. استفاده از معیار مذکور با توجه به خصوصیت پیش‌نگر آن، محققان را قادر خواهد ساخت تا به ارزیابی اقتصادی فعالیت‌های مختلف داخل کشور بپردازند. به این ترتیب توان یک فعالیت تولیدی از نظر رقابت پذیری در صحنه جهان قابل تشخیص می‌گردد.

۲- هدف اساسی این مقاله عبارت است از:

برآورد مزیت‌های نسبی کالایی برخی از صنایع نساجی استان ایلام و تعیین جهت‌گیری آن‌ها طی زمان.

۳- مقاله حاضر بدنبال پاسخگویی به سؤالات زیر می‌باشد:

۱. از میان فعالیت‌های صنعتی بخش نساجی، پوشاک و چرم استان ایلام، ترتیب مزیت نسبی بالقوه چگونه است؟
۲. جهت‌گیری کالایی صنایع نساجی استان از نظر توان رقابتی آتی چگونه است؟
۳. توان رقابتی زیربخشی فعالیت در بخش نساجی استان از نظر کالایی به چه میزان است؟

۴- فرضیات مقاله عبارتند از:

۱. فعالیت‌های صنعتی بخش نساجی، پوشاک و چرم استان ایلام از مزیت نسبی بالقوه برخوردار است.
۲. اغلب کالاهای تولیدی صنایع نساجی، پوشاک و چرم استان ایلام بطور بالقوه دارای توان رقابتی در آتیه می‌باشند.

منابع داخلی مربوط به یک فعالیت خاص اقتصادی قلمداد نمود که از یک پول خارجی ایجاد (یا صرفه جویی) می شود. به عبارت دیگر، این معیار مشابه معیار نرخ بازدهی سرمایه گذاری در یک فعالیت اقتصادی است که با معیار نرخ بهره واقعی نسبت به هم قابل مقایسه هستند تا با استفاده از آن ها منفعت (یا سودآوری) اجتماعی (NSP)^(۱۲) آن فعالیت مشخص گردد.

۵-۴-۲- روش نرخ مؤثر حمایت (ERP)^(۱۳)

هزینه منابع داخلی (DRC) یک فعالیت خاص اقتصادی را نیز می توان از نسبت هزینه فرصت آن فعالیت به خالص تغییرات توازن تجاری بین المللی مربوط به آن حاصل نمود. هزینه منابع فرصت داخلی با کمک عوامل داخلی، که به طور مستقیم در آن فعالیت و بطور غیر مستقیم در سایر فعالیت های داخلی مورد بهره برداری قرار گرفته اند، بدست می آید.

این نگرش به DRC از طریق ERP (نرخ مؤثر حمایت) به بررسی فعالیت می نگرد. در واقع، دسترسی به اثر حاصل از حمایت در یک فعالیت خاص نگرش مربوط به مقایسه هزینه فرصت منابع داخلی با ارزش افزوده بین المللی مربوط به آن فعالیت است. نکته حائز اهمیت این است که در محاسبه ERP نیز به جدول داده ستانده نیاز است. در نتیجه هزینه های ثابت در فرآیند فرض اصلی است، در صورتی که در محاسبه DRC فرض هزینه های ثابت الزاماً ضروری نمی باشد، زیرا در هر فعالیت خاص اطلاعات محاسباتی مورد نیاز برای آن فعالیت موجودند. بنابراین، از نظر تجربی محاسبه DRC انعطاف پذیری بیشتری نسبت به ERP دارد. روش نرخ مؤثر حمایت (ERP) با روش هزینه منابع داخلی (DRC) شباهت دارند زیرا اگر همه تحریف ها در قیمت های سایه ای ملحوظ شده باشند دو روش ERP و DRC نتایج یکسان حاصل می کنند اما در شرایط تحریف های مقداری، علاوه بر تحریف های قیمتی، DRC روش مناسب تر و قابل اعتمادتری نسبت به ERP است.^(۱۴)

برونو (۱۹۷۲) و کروگر (۱۹۷۲) به طور همزمان دو استفاده مختلف از DRC نمودند. برونو در پی اندازه گیری منفعت ناشی از توسعه فعالیت های سودآور بود در حالی که کروگر می خواست هزینه حمایت و نگهداری فعالیت های غیر سودآور را اندازه بگیرد.

استفاده از DRC برای انتخاب یک مجموعه از فعالیت ها که از نظر اجتماعی سودآور هستند ممکن است منجر به انتخاب آن فعالیت هایی شود که بیشترین کمک را به رشد اقتصادی نمی کنند. در واقع DRC هزینه های عوامل داخلی را مجزا می کند، لذا برای فعالیت هایی که از این منابع به میزان زیادی استفاده می کند، سودآوری اجتماعی کمتر بیان شود.^(۱۵)

شاخص هایی مانند DRC از ارقام متوسط هزینه، مبتنی بر ضرایب داده ستانده و قیمت های سایه ای محاسبه شده بدست می آیند. چون این ضرایب تحت قیمت های بازاری و نه قیمت های سایه ای مشاهده شده اند و چون قیمت سایه ای هر قلم از هزینه ها جداگانه محاسبه می شود، شاخص ها فاقد اثرات جانیشینی و متقاطع قیمتی هستند اما کشش ها و

دیگر اطلاعات مورد نیاز برای تشکیل یک الگوی با انعطاف بیشتر نیز قابل دستیابی نیستند. بنابراین، شاخص های مبتنی بر ارقام بودجه ای همچنان از نظر سیاستی محل بحث باقی مانده و انتخاب شاخص از اهمیت عملیاتی زیادی برخوردار است.

برونو (۱۹۷۲) و کروگر (۱۹۷۲) قیمت های سایه ای عوامل داخلی را به پول محلی و قیمت های سایه ای محصول و نهاده های تجاری را به پول خارجی تخمین زده اند. به این ترتیب، DRC نسبی هزینه کسب یا صرفه جویی یک واحد پول خارجی را برحسب پول محلی نشان داده و با کمک آن می توان رتبه بندی فعالیت ها را صورت داد. اما مشکل این است که بدون توجه به نرخ سایه ای ارزش قادر نیستیم فعالیت های کارا را از فعالیت های غیر کارا تمیز دهیم.

۵-۴-۳- مقایسه معیارهای DRC، NSP و ERP

سه معیار DRC، NSP و ERP کاربردهای متفاوتی دارند.^(۱۶)

۱- هر سه معیار عموماً برای دو استفاده معرفی شده اند که به اندازه گیری پس نگر هزینه سیاست های تحریفی تجاری و ارزشیابی پیش نگر تخصیص منابع مربوط می شوند.

۲- در خصوص DRC و ERP، فرض تداوم یا برطرف شدن سیاست های تحریفی مهم است. اگر سیاست ها منجر به حمایت از نهاده های واسطه ای داخلی شوند، DRC و ERP نتایج مشابهی دارند، زیرا نهاده های واسطه ای تجاری و غیر تجاری در هر دو معیار به مانند واردات به حساب می آیند.

۳- اگر سیاست های تحریفی تجاری تداوم یابد، تنها باید از DRC جهت ارزیابی فعالیت استفاده کرد ولی ERP تنها وقتی مناسب است که سیاست های تحریفی تجاری برطرف شده باشند.

۴- NSP در حالت پیش نگر بر DRC ارجح است، زیرا NSP جزئیات بیشتری از اطلاعات، خصوصاً در ارتباط با محاسبه رانت های اقتصادی و قیمت های سایه ای دارد.

۵- در حالت پس نگر، اگر سیاست های تحریفی اندک باشند و همه اطلاعات با پول رایج ملی اندازه گیری شده باشند، NSP بر DRC ارجحیت دارد زیرا مقدار DRC بستگی به نرخ ارزش انتخابی در تبدیل خالص پول خارجی بدست آمده یا صرفه جویی شده دارد.

۶- در ارزیابی پیش نگر، DRC که برای رتبه بندی فعالیت ها نیاز به قیمت های سایه ای پول خارجی ندارد، یک مزیت نسبی اساسی بر NSP دارد.

۶- نتایج مطالعات تجربی

۶-۱- مطالعه کشور ترکیه

کروگر (۱۹۹۷) در مطالعه ای پیرامون کشور ترکیه از روش DRC جهت ارزیابی موقعیت اقتصادی این کشور در شرایط کنترل سیستم ارزی استفاده می کند.

ترکیه در دهه ۱۹۵۰ با کسری تراز پرداخت ها مواجه شد و به ناچار متوسل به کنترل پول خارجی می شود. کروگر هزینه های اقتصادی

کالا قرار داد. بر این اساس مزیت نسبی بدین معنی است که یک کشور یک کالا را نسبت به کالای دیگر با میزان کار واقعی کمتری تولید می کند. حتی اگر با مصرف کار بیشتری تولیدات یک کشور نسبت به کشور دیگر حاصل شود، باز هم مزیت نسبی این کشور برای تولید تجارت در تولید کالایی می باشد که با کمترین عدم مزیت مطلق همراه است. در این صورت تفاوت هزینه تولید بر مبنای نیروی کار مصرف شده سبب مبادله سودمند خواهد شد.

به تدریج مفهوم مزیت نسبی ریکاردو بر مبنای ارزش کار واقعی با پدید آمدن نظریه مزیت نسبی بر مبنای هزینه های فرصت، اعتبار خود را از دست داد. مفهوم مزیت نسبی بر مبنای هزینه های فرصت این است که مزیت نسبی برای یک کشور در تولید کالایی است که هزینه فرصت آن نسبت به تولید کالاهای دیگر کمتر باشد. هزینه فرصت آن کالایی است که باید از تولید آن صرف نظر شود تا منابع اقتصادی کافی برای تولید یک واحد اضافی از کالای مورد نظر فراهم گردد. با توجه به مطالب فوق ملاحظه می شود که مفهوم مزیت نسبی تحت شرایط نظریه ریکاردو با نظریه هزینه های فرصت متفاوت است. با این وجود هر دو یک هدف یعنی تعیین علت مبادله بین کشورها را تعقیب می کنند. گرچه این دو دیدگاه از اساسی ترین دیدگاه ها در خصوص مزیت نسبی می باشد، اما بایستی توجه داشت در عمل مسأله اساسی مبتلا به آن دو است.

در مفهوم کار بردی مزیت نسبی لازم است تجدید نظر شود. به عبارت دیگر وجود مزیت نسبی در زمینه تولید کالا شرط کافی برای انتفاع از تجارت بین الملل نیست، بلکه پس از مرحله تولید، مقدمات و عواملی مطرح است که امکان استفاده از مزیت نسبی تولید را تحت تأثیر شدید قرار می دهد. بنابراین برای رفع مشکل فوق، مزیت نسبی را در عمل باید به این صورت تعریف کرد:

مزیت نسبی توانایی کشور در تولید و صدور کالایی با هزینه ارزانتر است.

تعریف مذکور دو جنبه دارد:

اول اینکه کشور صادر کننده در مورد کالایی که ارزانتر تولید می کند و آن را با قیمت مناسب تری (نسبت به دیگر کالاهای قابل تولید در آن کشور) می تواند به بازار مصرف عرضه نماید، مزیت نسبی دارد. دوم اینکه ارزانتر بودن در مورد کالاهای خارجی نیز مطرح است چرا که در عالم واقعی رقباتی دیگری نیز هستند که برای آن ها عرضه کالا با قیمت ارزانتر اهمیت دارد. یعنی با فرض یکسان بودن سایر شرایط، کشوری می تواند از مزیت نسبی خود بهره جوید که نسبت به دیگر کشورهای رقیب کالای خود را ارزانتر عرضه نماید.

۲-۵- نظریه مزیت نسبی نئو کلاسیک

نظریه هکچر - اوهلین رقیب اصلی نظریه ریکاردو در تجارت بین الملل است. در این نظریه مناطق مختلف اقتصادی از عطایای (۷) متفاوت عوامل تولید و با شدت مختلف بهره مند می شوند. اختلاف در عطایای مناطق است که نوع امکانات تولید را متفاوت نموده و شدت خمیدگی منحنی های امکانات را نیز فراهم می نماید که از عوامل تولید نسبی

فراوانی در تولید آن کالا بهره مند می گردد. به عبارت دیگر، منطقه به شکل غیرمستقیم خدمات حاصله از عامل فراوانی را که نهفته در کالای صادراتی است، مبادله می کند. منطقه ای که سرمایه فراوان ولی نیروی کار کمی دارد، این منطقه خدمات نیروی کار را وارد و خدمات سرمایه را صادر می کند. پس منطقه به صادرات کالای سرمایه بر و واردات کالای کار بر اقدام می نماید.

۳-۵- مفهوم هزینه منابع داخلی (DRC) (۸)

مقدار هزینه منابع داخلی از برآورد ارزش منابع داخلی تولید یک کالای خاص با در نظر گیری نهاده های اصلی (داخلی) به قیمت های هزینه فرصت واقعی و ارزش نهاده های واسطه ای به قیمت های جهانی بدست می آید. به عبارت دیگر نهاده های اصلی با پاداشی که هر یک در به کارگیری در برخی از دیگر فعالیت ها (نه در هر فعالیت) تحصیل می کنند، ارزش گذاری می شوند. (۹)

از مقایسه هزینه فرصتی نهاده های اصلی (منابع طبیعی، نیروی کار و سرمایه) مورد استفاده در تولید یک کالا با ارزش افزوده آن کالا به قیمت های مرزی (Border Price)، ضریب هزینه منابع داخلی حاصل می گردد. بزرگی و کوچکی این ضریب در مقایسه با مقدار یک دارای مفهوم اقتصادی است. در حالتی که مقدار ضریب از یک کوچکتر باشد، این ضریب را می توان به عنوان معیار مزیت نسبی قلمداد نمود. بعبارتی در صورتی که ضریب هزینه منابع داخلی از عدد یک کوچکتر باشد، مفهوم آن این است که منابع مورد استفاده به شکل کارا بهره برداری شده اند و در نتیجه کالای تولیدی در رقابت جهانی دارای مزیت نسبی است. در صورتی که ضریب DRC برابر یک باشد، ارزش منابع داخلی استفاده شده به همان میزان قابل خرید کالا در بازارهای بین المللی است و مزیت ها با هم برابرند. ضریب DRC بزرگتر از یک، عدم مزیت نسبی کالا را در صحنه بین المللی نشان می دهد. از بحث فوق می توان به این نتیجه رسید که نسبت DRC مربوط به یک فعالیت خاص از رابطه زیر بدست می آید. (۱۰)

$$DRC = \frac{DC_j}{IVA_j}$$

به طوری که:

z DC: هزینه داخلی مربوط به تولید کالای z بر حسب هزینه های فرصت اجتماعی برای عوامل.

z IVA: ارزش افزوده فعالیت z به قیمت های مرزی

هر چه نسبت مذکور در فعالیت z در مقایسه با فعالیت دیگر بزرگتر باشد، به این مفهوم است که فعالیت z بر حسب منابع داخلی پرهزینه تر است.

۴-۵- محاسبه DRC از دیدگاه های مختلف (۱۱)

۱-۴-۵- روش منفعت خالص اجتماعی

هزینه منابع داخلی (DRC) را می توان معیار هزینه فرصت واقعی

جدول (۱) - مزیت نسبی صنایع کشور بر حسب هزینه های منابع داخلی در سالهای ۷۶ - ۱۳۷۵

ردیف	بخشهای زیرگروه	DRC ₁	DRC ₂
۱	محصولات غذایی	۶۲/۷۵	۹۴/۹۹
۲	منسوجات	۸۸/۹۷	۸۸/۲۲
۳	تولیدات پودر	۱۵۴/۵۹	۱۶۶/۶۸
۴	چوب و تولیدات چوبی	۹۰/۰۶	۹۹/۸۲
۵	کاغذ و تولیدات کاغذی	۱۱۲/۸۱	۱۱۶/۹۷
۶	لاستیک و تولیدات لاستیکی	۱۱۰/۸۱	۱۱۶/۹۷
۷	صنایع شیمیایی	۹۴/۲۳	۹۷/۴۴
۸	تولیدات غیر فلزی معدنی	۵۵/۵۱	۵۵/۶۵
۹	آهن و فولاد	۱۱۴/۷۲	۱۲۳/۷۳
۱۰	فلزات اساسی غیر آهنی	۱۸۶/۴۸	۲۰۲/۲۲
۱۱	تولیدات فلزی	۱۱۳/۷۶	۱۲۰/۹۳
۱۲	ماشین آلات	۱۰۴/۰۶	۱۰۹/۶۶
۱۳	وسایل نقلیه	۸۰/۵۱	۳/۲۷
۱۴	تجهیزات الکتریکی	۹۷/۸۵	۹۶/۶۲

مأخذ: M.H. Tizhoush- Taban, 1980

* مقدار کوچکتر از ۱/۲۴۴ ریال، هر دلار مورد نظر از مزیت نسبی را نشان می دهد.

جدول (۲) - هزینه منابع داخلی (قیمت سایه ارز) صنایع صادراتی ایران در سالهای ۷۶ - ۱۳۷۵

ردیف	بخشهای زیرگروه	DRC ₁	DRC ₂
۱	محصولات غذایی	۵۶/۱۴	۷۵/۴۳
۲	منسوجات	۷۸/۵۳	۷۷/۸۷
۳	لاستیک و تولیدات لاستیکی	۱۱۲/۸۱	۱۱۶/۹۷
۴	صنایع شیمیایی	۸۰/۱۴	۸۲/۸۷
۵	فلزات اساسی غیر آهنی	۱۰۶/۷۹	۱۱۵/۸۷
۶	آهن و فولاد	۱۱۴/۷۲	۱۲۳/۷۳
۷	وسایل نقلیه	۶۸/۷۵	۷۱/۲۰
۸	تجهیزات الکتریکی	۹۳/۷۸	۹۲/۶۰

مأخذ: M.H. Tizhoush- Taban, 1980

تولیدات غیر فلزی معدنی، دو بخشی هستند که در مقایسه با قیمت هر واحد ارز معادل ۶۸/۲۸۴ ریال، پایین ترین هزینه را جهت جایگزینی واردات داشته و دارای مزیت نسبی می باشند و در بقیه بخش ها در این سال مزیت نسبی وجود نداشته است.

محاسبه هزینه منابع داخلی جهت صادرات صنایع با مقایسه آن جهت جایگزینی واردات آن ها از لحاظ ترکیب و نیز متوسط قیمت ها در سطح صنعت متفاوت است، لذا باید هزینه های صنایع داخلی دوباره مطابق با ترکیب تولیدات صادراتی محاسبه گردد. نتیجه این محاسبات در جدول (۲) با دو عنوان DRC₁ و DRC₂ آمده است.

طبق جدول (۲) صنعت آهن و فولاد بیشترین هزینه و محصولات غذایی کمترین هزینه را بر حسب منابع داخلی داشته اند و بطور کلی بر پایه این جدول، ایران بجز محصولات غذایی و نهایتاً وسایل نقلیه در تمامی صنایع صادراتی دچار زیان خالص اجتماعی شده است. هفت صنعت صادراتی موجود در جدول (۲) (بجز محصولات

DRC₁ به علت فقدان اطلاعات لازم در زمینه قیمت های سایه ای کار و سرمایه بر حسب قیمت های بازاری محاسبه شده است. قیمت کار بر اساس قیمت بازار و هزینه سرمایه نسبت به ۸ درصد نرخ بازار سرمایه ثابت به اضافه خسارت (استهلاک) محاسبه گردیده است. سپس با توجه به میزان زمان مصرف شده در تولید، نتیجه آن به عنوان هزینه سرمایه برای فعالیت مورد نظر استفاده شده است. DRC نیز با دو تغییر ایجاد شده به صورت زیر بدست آمده است:

قیمت سایه ای کار، ۲۵ درصد کمتر از قیمت بازار فرض شده است. نرخ سایه ای بازدهی سرمایه ۵۰ درصد بالاتر و بر اساس حداقل نرخ بهره بانک های تجاری ایران در نظر گرفته شده است.

جدول (۱) هزینه منابع داخلی صنایع مختلف کارخانه ای را در ایران نشان می دهد. این جدول هزینه منابع داخلی تحصیل یا صرفه جویی دلار به ریال را در سال ۷۶-۱۹۷۵ نشان می دهد. با توجه به ارقام دو ستون DRC₁ و DRC₂ در مقایسه با نرخ ارز، محصولات غذایی و

حالی که در ۹ کالا تغییر بهره وری کل عوامل منفی می‌باشد و قدرت مزیت نسبی این کالاها نیز به مرور زمان تحلیل رفته‌اند. در بین صنایع مورد بررسی تغییر بهره وری کل در صنایع سبک منبع مهم در بهبود DRC بوده و لذا قدرت رقابت این صنایع در مقایسه با صنایع سنگین افزایش یافته است. (۱۸)

۴-۶- مطالعه کشور کنیا

۳۱ کالای مختلف کشاورزی در پنج منطقه مختلف کشور کنیا از طریق DRC و NSP مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. نتایج حاصل از بررسی نشان می‌دهند که رتبه‌بندی کالاها به منظور تعیین مزیت نسبی از طریق NSP دقیق‌تر از DRC است. به عبارت دیگر فرمول DRC برای فعالیت‌هایی که به شدت بر عوامل داخلی نظیر زمین و نیروی کار متکی می‌باشند فرمول مناسبی جهت تعیین مزیت نسبی کالا نمی‌باشد، در صورتی که فرمول ساده NSP این مشکل را ندارد. (۱۹)

۵-۶- مطالعه کشور چین

تحولات بخش خارجی کشور چین نظر بسیاری را به خود معطوف داشته است. در ۱۵ سال اخیر متوسط رشد سالانه صادرات این کشور به ۱۳ درصد می‌رسد، و در سه سال آخر دوره مذکور رقم ۲۰ درصد در سال نیز مشاهده می‌گردد. این ارقام گویای تحولات قابل توجه صادرات در کشور چین است. از جمله دلایل این رشد می‌توان بستر سازی مربوط به آزاد سازی تجاری در چین دانست که سبب گردیده بسیاری از استان‌های این کشور در قلمرو کالاها صادراتی توانایی رقابتی پیدا کنند. (۲۰) از یک روش ساده هزینه منابع داخلی DRC جهت محاسبه مزیت نسبی کالایی در هر استان و صنایع استفاده شده که معیار آن به شکل زیر است:

$$DRC = \frac{c_1 - b_1}{B_f - C_f} \cdot \frac{1}{EER}$$

به طوری که:

c_1 : هزینه نهاده‌های داخلی (به واحد دلار محلی)

b_1 : فروش داخلی (به واحد دلار محلی)

B_f : عایدات صادراتی (به واحد دلار آمریکا)

C_f : هزینه وارداتی (به واحد دلار آمریکا)

EER: نرخ مؤثر ارز

۶-۶- مطالعه کشور ایران

در تحقیقی تحت عنوان "حمایت و هزینه حمایت"، روش هزینه منابع داخلی برای تعیین عواید حاصل از تولید ۱۴ رشته فعالیت صنعتی در ایران بکار گرفته شده است و تخمین‌های هزینه منابع داخلی از ساخت موجود تولید به وسیله جدول داده - ستانده محاسبه شده است. برای هر یک از صنایع مورد نظر دو مقدار هزینه منابع داخلی (DRC_1 , DRC_2) محاسبه می‌شوند. (۲۱)

حاصل از سیستم کنترل ارز را برای سال ۱۹۶۵ مورد بررسی قرار می‌دهد تا از این رهگذر بخش صنعت کشور ترکیه که در آن زمان ۱۳ درصد از GDP و ۸ درصد از صادرات را پوشش داده، تجزیه و تحلیل اقتصادی نماید. تعداد ۶۰ واحد تولیدی از صنایع ترکیه در تجزیه و تحلیل مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. سیاست‌های تجاری آن زمان در برگیرنده ابزارهای متعددی از قبیل تعرفه‌ها، ممنوعیت‌ها و پروانه‌ها می‌باشد که یافتن اثرات ترکیبی آن‌ها مستلزم اطلاعات وسیعی از قیمت‌ها و روابط بین صنایع مختلف است که عملاً غیر قابل دسترسی می‌باشد. از این رو کروگر با استفاده از اطلاعات قیمت و هزینه هر بنگاه اقدام به تجزیه و تحلیل مشکلات و برآورد هزینه منابع داخلی می‌کند و با تعدیل اطلاعات، هزینه منابع داخلی هر محصول محاسبه می‌گردد. کروگر از محاسبه DRC برای کشور ترکیه به نتایج زیر می‌رسد:

● سیاست‌های محدودکننده تجارت خارجی، انگیزه بنگاه‌های صادراتی را محدود کرده تا جایی که تولیدکنندگان در عملیات تولیدی خود تأمین نیاز داخلی کشور را دنبال می‌کنند.

● وجود سیستم چند گانه نرخ‌های پول‌های خارجی موجب شکست صادرات کالاها می‌گردد.

۲-۶- مطالعه کشور مصر

در کشور مصر در طی دهه ۱۹۸۰ بخش کشاورزی به طور متوسط ۲۱ درصد GDP و ۳۵ درصد از کل شاغلین را شامل می‌گردید. در اثر مداخلات زیاد، قیمت‌های هفت محصول این بخش از نوسانات شدیدی برخوردار بود. بنابراین از روش‌های معمول امکان ارزیابی نقش کشاورزی در اقتصاد وجود نداشت. جهت ارزیابی موقعیت ۱۸ کالای کشاورزی از دو روش DRC و NSP استفاده و DRC در دو حالت نرخ ارز رسمی و نرخ ارز سایه‌ای محاسبه گردید. نتایج حاصل از بررسی DRC نشان داد که در بین ۱۸ کالای مورد بررسی، ۸ کالای صادراتی در دوره ۸۷-۱۹۸۰ مزیت نسبی خود را حفظ کرده‌اند، در صورتی که مابقی کالاها دارای ضریب DRC بزرگتر از یک بوده و هیچ یک از مزیت نسبی بهره‌مند نبودند. (۱۷) نتایج حاصل از NSP نیز مشابه نتایج DRC بود.

۳-۶- مطالعه کشور تایلند

۲۲ کالای صنعتی کشور تایلند در طی دوره ۷۶-۱۹۶۳ مورد بررسی قرار گرفته و تغییرات حاصل از DRC مشخص می‌گردد. نتایج بررسی نشان می‌دهد که ۱۳ کالا با کاهش DRC مواجه گشته‌اند و قدرت مزیت آن‌ها بهبود یافته است، در ۳ کالا هیچ تغییر قابل توجهی در DRC مشاهده نمی‌شود، ولی ۶ کالای دیگر با افزایش DRC مواجه شده‌اند و قدرت رقابتی آن‌ها تحلیل یافته‌اند. عمدتاً ۱۰ کالا که مربوط به صنایع سبک می‌باشند از قدرت بهتری برخوردار گردیده‌اند، در حالی که این شرایط در صنایع سنگین مشاهده نمی‌گردد و به استثنای ۳ کالای مربوط به این صنایع، سایر کالاها مزیت نسبی خود را با گذشت زمان از دست داده‌اند. منبع مهم در تغییر قدرت رقابتی در کالاها صنایع کشور تایلند بهره‌وری کل عوامل بوده است. تغییر بهره‌وری کل عوامل در ۱۳ کالای مورد بررسی مثبت بوده است و باعث بهبود رقابت بین‌المللی شده است، در

جدول (۳) - نام واحدهای مورد مطالعه

ردیف	نام شرکت	تعداد محصول	نوع محصول	ردیف	نام شرکت	تعداد محصول	نوع محصول
۱	سازم شعاع نخ ۸۸۰	۱	نخ قاتری	۸	پر تان بافت	۴	سوراب مروارید سپورت پیکانه سپورت شلوار
۲	نعلونی شماره ۸۵۹	۳	ساکو شلوار شلوار دامن و شلوار	۹	تیراجن بافت	۱	پارچه چین
۳	سحاب بافت	۱	پارچه گردانف	۱۰	ساجم علی پروغان	۳	شلوار ساکو پیراهن
۴	شلوار آستری	۱	پارچه کشاف	۱۱	سپرتاره	۱	شلوار
۵	نخ ایلان	۱	نخ پشمی و شلوار	۱۲	ساجم حسین مرادی	۱	شلوار
۶	لباس بافت	۴	پارچه رنگی زاکاره پارچه بند ای شلوار پارچه گردانف پیرو پارچه پشمی	۱۳	سجاد	۱	نخ اسپند کس
۷	دامن نخ	۱	نخ استر مندل				

$(A/F) =$ سهم تناسبی هزینه‌های سربار برای یک واحد محصول
 $(E) (G) =$ کل هزینه سرمایه برای همه محصولات در یک سال (میلیون ریال)
 $L =$ ارزش کل مواد مصرفی و کالاهای واسطه‌ای مصرف شده برای همه محصولات در یک سال (میلیون ریال)
 $(G) (A/F) (E) =$ هزینه فرصتی سرمایه برای یک واحد محصول
 $K =$ ارزش کل مواد مصرفی و کالاهای واسطه‌ای مصرف شده برای همه محصولات در یک سال (دلار)
 $H =$ قیمت جهانی یک واحد محصول (دلار)

جدول (۴) - وضعیت شاخص هزینه منابع داخلی شرکت های منتخب نساجی استان ایلام به تکنیک محصولات در سالهای ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱

ردیف	شاخص DRC		واحد	محصولات	نام شرکت
	۱۳۸۰	۱۳۸۱			
۱	۰.۳۹	۱	کیلوگرم	شلوار	ساجم حسین مرادی
۲	۰.۴۴	۲		نخ ایلان	سازم شعاع نخ ۸۸۰
۳	۰.۶۹	۳		ساکو	ساجم علی پروغان
۴	۰.۹۰	۴		پارچه چین	تیراجن بافت
۵	۱.۰۰	۵		پارچه کشاف	ساجم حسین مرادی
۶	۱.۰۴	۶		شلوار	ساجم علی پروغان
۷	۱.۱۰	۷		شلوار	ساجم حسین مرادی
۸	۱.۱۷	۸		ساکو	ساجم حسین مرادی
۹	۱.۱۹	۹		سوراب مروارید	پر تان بافت
۱۰	۱.۵۵	۱۰		سپورت پیکانه	پر تان بافت
۱۱	۱.۳۳	۱۱		شلوار	نعلونی شماره ۸۵۹
۱۲	۱.۲۳	۱۲		ساکو شلوار	نعلونی شماره ۸۵۹
۱۳	۱.۳۰	۱۳		سپورت شلوار	پر تان بافت
۱۴	۱.۹۱	۱۴		سپورت رنگه	پر تان بافت
۱۵	۳.۳۷	-		نخ استر مندل	دامن نخ
۱۶	۳.۵۵	۱۶		پارچه گردانف	سحاب بافت
۱۷	۳.۲۱	-		نخ قاتری	ساجم شعاع نخ ۸۸۰
۱۸	۳.۵۵	۱۷		نخ اسپند کس	پیراهن
۱۹	۳.۳۲	۱۹		پارچه رنگی زاکاره	لباس بافت
۲۰	۳.۶۰	۲۰		پارچه پشمی	لباس بافت
۲۱	۳.۳۳	۲۱		پارچه بند ای شلوار	لباس بافت
۲۲	۳.۶۸	۲۲		پارچه گردانف پیرو	لباس بافت
۲۳	۳.۵۱	۲۳		دامن و شلوار	نعلونی شماره ۸۵۹

مورد استفاده می‌باید شامل عواید تورمی نیز باشد.

الف - ۲- هزینه‌های غیر تجاری

انرژی، آب، برق، سوخت، مالیات (به عنوان بهای خدمات دولتی)، اجاره، هزینه‌های تعمیرات و نگهداری، بیمه و دیگر موارد غیر تجاری، اصولاً به مواردی اطلاق می‌شود که نه می‌توان آن‌ها را صادر نمود و نه امکان تهیه آن‌ها از طریق واردات میسر است. به دلیل همین ویژگی است که می‌توان قیمت‌های داخلی را به عنوان هزینه‌های فرصت در نظر گرفت.

ب) ارزش افزوده جهانی

در مخرج کسر DRC می‌باید ارزش افزوده جهانی یک واحد محصول محاسبه شود. در این ارتباط قیمت جهانی محصول یک عامل تعیین کننده است.

چنانچه کالایی صادراتی باشد، می‌توان از قیمت فوق (FOB) (۲۳) صادرات آن استفاده کرد. برای کالاهای وارداتی نیز قیمت سیف (CIF) (۲۴) ملاک است. توجه به این نکته لازم است که نسبت DRC هزینه فرصت عوامل داخلی را برای کسب یک واحد پول خارجی در کالاهای صادراتی و هزینه فرصت عوامل داخلی را برای صرفه جویی یک واحد پول خارجی در کالاهای وارداتی، محاسبه می‌کند.

پس از مشخص شدن بهای خارجی محصول به پول خارجی، باید ارزش اقلام و موارد تجاری مصرف شده در تولید یک واحد محصول به پول خارجی محاسبه و از آن کم کرد تا ارزش افزوده خالص به پول خارجی بدست آید. سپس نتیجه را باید در نرخ مؤثر پول خارجی ضرب کنیم. فرمول مورد نظر برای محاسبه شاخص DRC در این تحقیق به صورت زیر می‌باشد:

$$DRC = \frac{A+M+(B)(C)+(E)(A/F)(G)}{(H)-(I/J)(K)} \quad (11)$$

به طوری که:

A = هزینه سربار تولید برای یک واحد محصول (ریال)

M = هزینه‌های غیر تجاری برای یک واحد محصول (ریال).

B = ضریب تعدیل هزینه دستمزد نیروی کار برای تخمین هزینه فرصت آن. (در تحقیق حاضر ضریب مذکور برابر ۲۵۰/۷۵ منظور شده است).

C = هزینه دستمزد مستقیم نیروی کار برای هر واحد محصول (ریال).

E = ضریب تعدیل هزینه سرمایه استفاده شده برای تخمین هزینه فرصت آن و یا نرخ سایه‌ای بهره (در تحقیق حاضر ضریب مذکور ۲۶۰/۲۴ منظور شده است).

F = هزینه کل سربار تولید بنگاه تولیدی در یک سال برای همه محصولات (میلیون ریال).

G = ارزش کل سرمایه شرکت (میلیون ریال)

غذایی) از میان ۱۲ صنعت که ۷۵/۴ درصد کل صنایع صادراتی ایران در سال مورد مطالعه را تشکیل می‌دهد، ایران را دچار زیان خالص اجتماعی بالغ بر ۷۶۵/۳ میلیون ریال نموده است. به عبارت دیگر هزینه اجتماعی بدست آوردن یک واحد پول خارجی ۲۵ درصد بالاتر از ارزش اجتماعی آن بوده که بدون احتساب وسایل نقلیه برای ۵۸/۷ درصد کل صنایع صادراتی ایران این مقدار به ۲۶ درصد افزایش می‌یابد.

۷- روش شناسی

در این مقاله برای محاسبه شاخص DRC از روش شناختی مبتنی بر حسابداری اقتصادی فعالیت‌ها استفاده می‌شود. مطابق منطق DRC، در محاسبه آن باید هزینه‌های فرصت داخلی کسب یک واحد ارز خارجی محاسبه شود. بنابراین، در صورت کسر DRC به منابع داخلی بکار گرفته شده در تولید یک واحد از کالای ز توجه می‌شود. راه حل اولیه که برونو (۱۹۷۲) و کروگر (۱۹۷۲) آن را توسعه داده اند، استفاده از یک الگوی تعادل عمومی و حل آن به منظور یافتن ضرایب فنی و تولید است. اما این روش اولاً با الزامات اطلاعاتی دشواری مواجه است و ثانیاً ضرایب بدست آمده از طریق فوق تنها در سطح بخشی قابل حصول است. بدین ترتیب، از یک طرف با کمبود اطلاعات دقیق و بهنگام در اقتصاد ایران روبه‌رو هستیم و از طرف دیگر مسأله مورد نظر ارزیابی واحدهای تولیدی منفرد و سنجش قابلیت آن‌ها در صحنه اقتصاد داخلی و اقتصاد جهانی است که نیازمند معیار DRC در سطح کالایی به جای بخشی است. بنابراین بررسی واحدهای تولیدی منفرد و دریافت هزینه‌های بالفعل آن‌ها به صورت مستقیم و سپس تعدیل این هزینه‌ها برای انعکاس هزینه‌های فرصت از دست رفته منابع داخلی وجود ندارد. همان طور که اشاره شد ویژگی اصلی رهیافت بکار گرفته شده در تحقیق حاضر استفاده از هزینه‌های حسابداری واحدهای اقتصادی است. این روش محاسبه DRC توسط گرین اوی و میلنر (۱۹۹۳) در ماداکاسکار و پرکینز (۲۲) در چین نیز به نوعی استفاده شده اند.

هدف اصلی این است که مقدار DRC کالایی را به طریق دقیق و نزدیک به واقعیت از رابطه زیر بدست آوریم:

$$DRC = \frac{\text{هزینه فرصت عوامل داخلی به پول ملی}}{\text{نرخ مؤثر ارز}} \quad (11)$$

الف) هزینه‌های داخلی عوامل

هزینه‌های داخلی عوامل به قرار زیر است:

الف - ۱- هزینه‌های عوامل تولید:

● هزینه مربوط به نیروی کار، اعم از: دستمزد، حقوق و پاداش مستقیم و غیرمستقیم برای یک واحد کالا و مورد تعدیل لازم برای انعکاس هزینه‌های فرصتی قرار گرفته است.

● هزینه‌های مربوط به سرمایه که منعکس کننده هزینه‌های فرصت از دست رفته مربوط به ارزش سرمایه بنگاه می‌باشد و از ضرب نرخ بهره مناسب در ارزش اسمی سرمایه بنگاه بدست می‌آید. نرخ بهره

وضعیت	بالا	متوسط	پایین	فاقد	جمع
میزان نسبی	DRC < ۰.۵	۰.۵ < DRC ≤ ۰.۸	۰.۸ < DRC ≤ ۱	DRC > ۱	
مقدار شاخص DRC	۱۵	۴	۰	۲	۲۱
تعداد کالاهای موجود در محدوده زمانی سال ۱۳۸۰	۱۷	۲	۱	۳	۲۳
تعداد کالاهای موجود در محدوده زمانی سال ۱۳۸۱					

بررسی دارا می‌باشند. تعداد کالاهای فاقد مزیت نسبی دو مورد می‌باشند که در مقایسه با ۱۹ مورد از کالاهای واجد مزیت نسبی بسیار بالاتر آنها ۹/۵ درصد جامعه مورد بررسی را تشکیل می‌دهند.

نتایج محاسبات شاخص DRC مربوط به سال ۱۳۸۱ برای ۱۳ شرکت و ۲۳ نوع کالای تولیدی آن‌ها حاکی است که اکثر واحدهای تولیدی از قدرت مزیت نسبی بالایی برخوردار بوده‌اند. بطور کلی ۲۰ کالا از تولیدات واحدهای نساجی استان ایلام در سال مذکور از قدرت مزیت نسبی بالایی برخوردار بوده‌اند. در این سال نیز واحد نساجی عزیزی در تولید شلوار، واحد نساجی نخ ایلام در تولید نخ پلی استر و نایلون و واحد نساجی پروهان در تولید خط پیراهن به ترتیب با مقدار عددی شاخص DRC معادل ۴۲ درصد، ۴۳ درصد و ۳۹ درصد رتبه‌های اول تا سوم را از لحاظ توان نسبی رقابت‌پذیری در بین صنایع نساجی استان ایلام دارا بوده‌اند. در سال ۱۳۸۱ شاخص DRC تعداد سه کالا از ۲۳ کالای مورد بررسی دارای مقدار عددی فراتر از مقدار بحرانی بوده است که این کالاهای تنها ۱۳ درصد از جامعه مورد بررسی را تشکیل می‌دهند. مقایسه روند تغییرات شاخص DRC طی سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱، نشان می‌دهد که کالاهای دارای توان رقابت نسبی بالا در سال ۱۳۸۰، توان نسبی خود را در سال ۱۳۸۱ همچنان حفظ نموده‌اند و همان رتبه قبلی خویش را در بین واحدهای نساجی استان ایلام حفظ نموده‌اند (جدول ۳).

کالاهای فاقد مزیت نسبی در سال ۱۳۸۰ که شامل پارچه گردباف از واحد نساجی قائم‌بافت، دامن و بلوز از تعاونی ۸۵۹ می‌باشد در سال ۱۳۸۱ از کاهش در شاخص DRC برخوردار بوده‌اند که نشانگر صرفه‌جویی در هزینه‌های تولید و حرکت به سمت افزایش قدرت مزیت نسبی بوده است. هر چند یکی از تولیدات واحد نساجی قائم‌بافت (پارچه پنبه‌ای املشی) علی‌رغم اینکه در سال ۱۳۸۰ از قدرت مزیت نسبی برخوردار بوده است در سال ۱۳۸۱ از قدرت مزیت نسبی آن کاسته شده و در زمره کالاهای فاقد توان مزیت نسبی قرار گرفته است و از رتبه ۱۶ در سال ۱۳۸۰ به رتبه ۲۱ در سال ۱۳۸۱ تنزل کرده است. جهت مقایسه شاخص DRC کالاهای

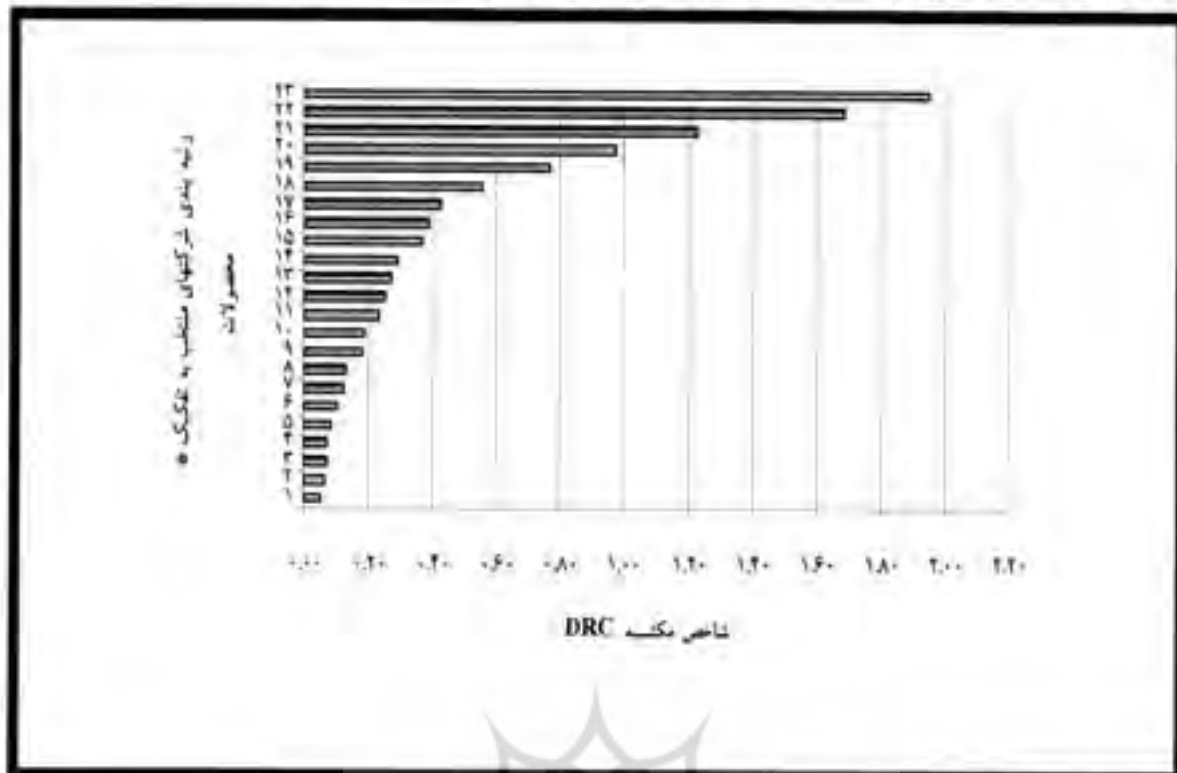
تعاونی شماره ۸۵۹ و واحد نساجی پروهان با ۳ نوع محصول و سایر واحدهای نساجی مورد بررسی هر یک دارای یک نوع محصول برای محاسبه شاخص DRC مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۱۲- برآورد شاخص DRC و تجزیه و تحلیل نتایج

در محاسبه شاخص DRC اطلاعات گسترده‌ای مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. گستره این اطلاعات از بررسی رابطه محاسباتی DRC قابل مشاهده است. محاسبه شاخص DRC براساس رابطه شماره (۲) انجام پذیرفته است. نتایج مربوط به محاسبه شاخص DRC شرکت‌های منتخب نساجی استان ایلام در جدول (۴) برای سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ ارائه شده است. همچنین نتایج محاسبات DRC برای شرکت‌های مذکور در سال ۱۳۸۱ در قالب نمودار (۱) به تصویر کشیده شده و مقایسه گردیده است.

همان‌طور که در جدول (۴) ملاحظه می‌گردد، شاخص DRC برای محصولات تولیدی سال ۱۳۸۰ کلیه واحدهای نساجی منتخب استان ایلام بجز شرکت دیبا نخ و واحد نساجی معراج نخ که در سال مذکور عملکردی نداشته، محاسبه شده است. در ستون آخر جدول (۴) و قسمت DRC سال ۱۳۸۰ مشاهده می‌گردد که اکثر واحدهای تولیدی مورد بررسی از قدرت مزیت نسبی بالایی برخوردار بوده‌اند. در واقع DRC مربوط به تعداد ۱۹ نوع کالای تولیدی از کل ۲۲ کالای مورد بررسی کمتر از عدد یک و یا مقدار بحرانی قرار گرفته است.

نتایج محاسبات در سال مذکور نشان می‌دهد واحد نساجی عزیزی در تولید شلوار، واحد نساجی نخ ایلام در تولید نخ پلی استر و نایلون و واحد نساجی جابرین انصاری در تولید پارچه کشباف به ترتیب با مقداری عددی شاخص DRC معادل ۴۲ درصد، ۴۳ درصد و ۶۱ درصد رتبه‌های اول تا سوم را از لحاظ توان نسبی رقابت‌پذیری در بین صنایع نساجی استان ایلام دارا می‌باشند. بجز محصول پارچه گردباف (پیزو) از واحد نساجی قائم‌بافت و محصول دامن و بلوز از تعاونی شماره ۸۵۹ با مقدار عددی بیش از مقدار بحرانی، سایر تولیدات شرایط مطلوبی را از لحاظ شاخص مورد



به جدول شماره ۲ مراجعه شود

حسابداری صنعتی دقیق بوده اند، جمع آوری گردیده است. سایر اطلاعات مورد نیاز نظیر قیمت های جهانی کالاها و مواد اولیه از لوح فشرده سیستم اطلاعات تجاری PC/TAC استخراج شده است. اطلاعات مربوط به نرخ ارز نیز از نماگرهای اقتصادی منتشر شده از سوی اداره بررسی ها و سیاست های اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اخذ گردیده است. با توجه به اینکه از ابتدای سال ۱۳۸۱ نرخهای چند گانه به نرخ واحد تبدیل شده است، متوسط فروش نرخ بازار آزاد ارز در سال های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ به عنوان نرخ ارز سایه ای در محاسبات منظور شده است.

۱۰- ابزار تجزیه و تحلیل

از نرم افزارهای EXCEL و SPSSWIN جهت پردازش اطلاعات مربوط به محاسبه شاخص DRC استفاده گردیده است.

۱۱- واحدهای مورد مطالعه در تحقیق

با توجه به محدودیت هایی که از لحاظ دستیابی به اطلاعات در خصوص واحدهای نساجی استان ایلام وجود داشت، واحدهای مورد مطالعه طبق جدول (۳) قرار گرفته اند:

همان طور که ملاحظه می شود شرکت های مورد بررسی در قالب ۱۳ شرکت و ۲۳ محصول تولیدی می باشند که از لحاظ تنوع محصولات، واحدهای نساجی قائم بافت و پرتال بافت هر یک با ۴ نوع محصول،

(I/J) = سهم تناسبی مواد مصرفی و کالاهای واسطه ای مصرف شده برای یک واحد محصول (ریال).

$K = (I) / (J)$ = ارزش کل مواد مصرفی و کالاهای واسطه ای مصرف شده برای یک واحد محصول (دلار).

$L =$ نرخ مؤثر ارز (دلار به ریال).

به این ترتیب، صورت کسر DRC، هزینه همه عوامل اولیه (نیروی کار و سرمایه) و نیز اقلام غیر تجاری (مانند الکتریسیته، زمین، خدمات دولتی و مواردی مانند خاک و سنگ) ستجیده می شود. در مقابل در مخرج کسر ارزش افزوده جهانی کالای تولیدی محاسبه خواهد شد. رقم کوچکتر از یک نشانگر وجود مزیت نسبی و رقم بزرگتر از یک بیانگر عدم وجود مزیت نسبی در تولید یک محصول خاص می باشد.

۸- جامعه آماری

تعداد ۱۳ واحد مهم از صنایع نساجی استان ایلام و همچنین تعداد ۲۳ محصول مختلف از واحدهای مذکور جهت محاسبه معیار DRC مورد بررسی قرار گرفته است. دوره زمانی مورد نظر سال های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ بوده است.

۹- ابزار گردآوری اطلاعات

اطلاعات مورد نیاز در زمینه هزینه های تولید و مقادیر تولید هر شرکت از طریق پرسش نامه از واحدهای صنعتی منتخب که دارای

Aitow, k. et al, "Capital- labor substitution & economic efficiency", *Rev. Econ. Stat.* ,43 , 225 - 251.

Balassa , B . "Trade liberalization and revealed comparative advantage" , *The Manchester School of Economic & Social Studies* ,33,99-123, 1965.

Bowen, H.P. "On The Theoretical Interpretation of Indices of Trade Intensity & Revealed Comparative Advantage", *Weltwirtschaftliches Archive*, 119,464-472, 1983.

Fane, G . "The average & marginal domestic resource cost of foreign exchange", *Oxf. Econ. Papers*, 1995.

Greenaway, D . & Milner, C.R. "Industrial incentives, domestic resource costs allocation in Madagascar", *Applied Econ.* , 22,805-822, 1990.

Krueger, A.O. Evaluating restrictionist trade regime: Theory & measurement, *Journal of Political Economic*, 80 , 48 , 62, 1972.

Kunimoto, k . "Typology of trade intensity indices, hitotsubashi" *Jour. Econ*, 17, 15 - 32, 1977.

Leontief, W . "Domestic Production and Foreign Trade: The American Capital Position Re- Examined Proceedings of American Philosophical Society" ,97,332-349, 1953.

Liesner, H.H. The Europaen Common Market & British Industry, *Economic Journal*, 68 ,302-316, 1958.

Masters, W.A.& Winter - Nelson, A, Measuring the comparative advantage of benefit ratio amer - agricultural activities : Domestic resource costs , and the social cost", *Jour. Agr. Econ .* , 77,243- 250, 1995.

Minhas , B.S.(1962) The Homohy Pallagic Production Function Factor - Intensity, Reversals & The Heckscher - Ohline Theorem, *J. O E .* , 60,138-156.

Pearson , S.R.(1976) Net social productivity, domestic resource costs & effective protection, *Jour. Devel. Stud.* , 12,320-333.

Perkins, F.C.(1997) Export performance & enterprise reform in china, coastal provinces ; *Econ . Devel. & Cult. Change*. 501 - 539 .

Philpot, G (1970) Labor qulity, returns to scale and the elasticity of factor substitution, *Rev. Econ Stat.* 52, 194-199.

Srinivasan, T.N. & Bhagwati, J.N., "Shadow prices for project selection in the presence of distortions: Effective rates of production & domestic resource costs", *Journal of Political Economics*, 86,97-116, 1978.

Tizhoush - Taban, M.H. *Protection & The Cost of Protection: A Case Study of Iran*, Unpublished Ph.D Dissertation, 1978.

Vollrath, T. L . A ., "Theoretical Evaluation of Alternative Trade of Revealed Comparative Advantage", *Weltwirtschaftliches Archive*, Intensity Measures, 127, 256-276, 1991.

Walters, A. A. "Production & cost functions: An econometric survey", *Econometrica*, Jan - Apr, 1963.

WalT, P. G. "Domestic resource as an investment criteria", *Oxf. Econ Papers*, 35 ,302 - 306, 1983.

Yeung, P. & Tsang H. "Generalized production function and factor - intensity crossovers: An empirical analisys" , *Econ . Record*, 48,387-399, 1972..

Zuvekas, C . (1979) *Economic Development: An Introduction*, N. Y: St. Martins Press.

۲۶- این نرخ را می توان از حاصل ($r + d + e$) بدست آورد که در آن d, r

و e به ترتیب نرخ بازار سرمایه، نرخ استهلاک سرمایه و نرخ عواید توری است. برای توجیه نرخ ۰/۲۴ به منبع پیشین ص. ۱۰۶ مراجعه کنید.

منابع:

امینی میلانی، مینو، تعیین مزیت نسبی ایران در صادرات پنبه، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۶۸.

باغبان، لیلا، صنعت کاشی و بررسی مزیت نسبی آن در ایران، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، ۱۳۷۶.

بوالحسنی، مرضیه، "محاسبه نرخ حمایت مؤثر و هزینه منابع داخلی برای صنعت آهن و فولاد"، پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۱۰، بهار، ۱۳۷۸، صفحات ۲۶-۱.

بهکیش، محمد مهدی، هزینه منابع داخلی: شاخصی برای اندازه گیری مزیت های اقتصادی و کاربرد آن در ایران، مجله برنامه و بودجه، شماره ۳۶، ۱۳۷۸، صفحات ۲۶-۳.

توکلی، اکبر، اندازه گیری مزیت های نسبی بالقوه فعالیت های صنعتی ایران، موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، تیر ماه ۱۳۸۱.

حسن زاده، رحیم، بررسی مزیت نسبی صنایع کارخانه های ایران بر اساس هزینه های منابع داخلی (DRC) و مزیت نسبی آشکار شده: (RCA) مطالعه موردی گروه صنعتی ماشین آلات و تجهیزات، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۷.

رضایی، فرهاد، بررسی کمی مزیت نسبی صادرات تولیدات صنعتی ایران، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه صنعتی اصفهان، ۱۳۷۶.

روح بخش آملی مقدم، حمید، بررسی کمی مزیت نسبی صادرات فرش ماشین در استان خراسان در سال ۱۳۷۵، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۷.

رهایی، زهرا، بررسی مزیت نسبی صنعت نساجی در برنامه های اول و دوم توسعه اقتصادی. اجتماعی کشور، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، ۱۳۷۹.

سیف، الله مراد، روش شناسی و کاربردهای تحلیل هزینه منابع داخلی: (DRC) ارزیابی یک رهیافت جدید، رساله دکتری دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۹.

فقیه نصیری، مرجان، مزیت نسبی کشور در صنعت چرم سازی، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۳.

مقاری، سعیده، بررسی کمی مزیت نسبی در کالاهای صادراتی ایران، رساله کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۶۸.

موسوی نژاد، محمد و ضرغامی، مصطفی، "ارزیابی سیاست های حمایتی دولت در بخش کشاورزی"، مجله اقتصاد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴، شماره ۶.

نوربخش، محمود، بررسی مزیت نسبی استان مازندران در امر صادرات محصولات کشاورزی (برنج و مرکبات) به کشورهای آسیای مرکزی، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.

نیامنش، حیدر، بررسی مزیت نسبی استان آذربایجان غربی در تولید سیب در ختی، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۴.

و تولید انبوه موفق به کاهش هزینه‌های نسبی شده‌اند. توسعه تولید و گسترش بازار بین‌المللی آن‌ها شرایط آتی مطلوبی را حاصل نموده و از این طریق می‌توان بر نقش صنایع مذکور در افزایش صادرات غیر نفتی امیدوار بود.

شرکت‌هایی مانند زرچین بافت، نخ ایلام، دیبا نخ و ... که دارای تولید انبوه و مزیت‌های نسبی بالایی می‌باشند، می‌توانند در بازارهای بین‌المللی از قدرت بالا برخوردار بوده و به مرور زمان جایگاه تخصصی و انحصاری را در صحنه بین‌المللی حاصل نمایند. از این رو باید در پی یافتن بازارهای هدف برای این محصولات مطالعات جدید و مکملی را آغاز نمود.

پی‌نوشت‌ها:

۱- این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی با همین عنوان می‌باشد که در سال ۱۳۸۳ در سازمان بازرگانی استان ایلام توسط نویسندگان مقاله اجرا گردیده است.

2- Marginal opportunity costs

3- Mac Dougell, 1951, 1952

4- Stren, 1962

5- Balassa, 1963

6- Zuvekas, 1979

7- Endomments

8- Domestic Resource Costs (DRC)

9- D.Greenaway, C.Milner, 1995

10- A.O.Krueger, 1972

۱۱- توکلی، اکبر (۱۳۸۱)

12- Net Social Benefit (profit)

13- Effective Rate of Protection

14- T.N.Srinivasan T.N. Bhagwati, 1978

15- W.A Masters, A. Winter - Nelson, 1995

16- R.S.Persan, 1976

17- D.Greenway et al, 1994, pp. 356 - 456

18- M.Nishimizu J.M.Page, 1986

19- W.A.Masters, A.Winter - Nelson, pp. 84 - 94

20- F.C.Perkins, 1997

21- M.H.Tizhoush - Taban, 1980

22- F.C.Perkins, 1997, p.215

23- Free on Board (FOB)

24- Cost Insurance and Freight (CIF)

۲۵- این ضریب در شرایط وجود بیکاری در واقع شانس یافتن شغل است.

برای کشور ترکیه کروگر، برای ایران، تیزهوش تابان، همین نرخ را در نظر گرفته‌اند. برای توضیح بیشتر، ک. سیف‌الله مرداد در دانشگاه اصفهان، "روش‌شناسی و کاربردهای تحلیل هزینه منابع داخلی: (DRC) ارزیابی یک رهیافت جدید"

تولیدی واحدهای منتخب نساجی استان ایلام، وضعیت شاخص مذکور در سال ۱۳۸۱ در نمودار (۱) ارائه شده است.

جمع بندی و ملاحظات

در این مطالعه هزینه منابع داخلی ۲۳ نمونه کالایی از ۱۳ واحد نساجی استان ایلام طی سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ محاسبه گردید. نتایج محاسبات نشان می‌دهد که کلیه کالاهای مورد بررسی از مزیت نسبی بالایی برخوردار بوده‌اند به طوری که با طبقه بندی شاخص DRC به کالاهای دارای مزیت نسبی بالا، مزیت نسبی متوسط، مزیت نسبی پایین و فاقد مزیت نسبی نتایج زیر حاصل شده است.

همان‌طور که در جدول (۵) ملاحظه می‌گردد اکثر کالاهای مورد بررسی در محدوده مزیت نسبی بالا قرار دارند. در سال ۱۳۸۱ تعداد کالاهای دارای مزیت نسبی بالا به ۱۷ کالا بالغ گردیده است که افزایش نسبت به سال قبل را نشان می‌دهد.

در یک بررسی کلی مشاهده می‌گردد طی سال‌های ۸۱-۱۳۸۰ قدرت مزیت نسبی ۴۷/۶ درصد از کل کالاهای تولیدی واحدهای نساجی استان ایلام افزایش یافته است که از بین آن کالاهای افزایش قدرت مزیت نسبی شلوار از تعاونی شماره ۸۵۹، مانندتواز واحد نساجی پروهان و نخ اسپاندکس از واحد نساجی میعاد به ترتیب به میزان ۲۳/۱ درصد، ۲۰/۹ و ۲۰/۳ درصد بسیار چشم‌گیر بوده است.

از دلایل مزیت نسبی بالای واحدهای نساجی استان ایلام، تولید با هزینه‌های پایین و یا بعبارت دیگر صرفه جویی در هزینه‌های تولیدی می‌باشد. در بین واحدهای نساجی مورد بررسی بنظر می‌رسد از یک سو واحدهای نساجی عزیزی، نخ ایلام، پروهان، زرچین بافت، جابرین انصاری، متین فرد بیشترین صرفه جویی و یا کنترل در هزینه‌های تولید را اعمال نموده‌اند و از سوی دیگر واحدهای نساجی قائم بافت و تعاونی شماره ۸۵۹ (در مورد یکی از محصولات) موفق‌تری را در زمینه کنترل هزینه‌های تولید داشته‌اند. همچنین واحدهای نساجی میعاد، معراج نخ، سحاب بافت، پرتال بافت از این نظر شرایط مساعد تری داشته‌اند.

در خصوص واحد نساجی قائم بافت که علی‌رغم دارا بودن قدرت مزیت نسبی برای ۵۰ درصد از محصولات تولیدی خود در حالت کنونی، طی سال‌های ۸۱-۱۳۸۰ روند افزایشی را در هزینه‌های تولیدی خود تجربه می‌کند و همچنین شرکت‌های مشابه مانند شرکت میعاد، به نظر می‌رسد برای افزایش توانایی رقابتی خود می‌باید از طریق کاهش و یا کنترل هزینه‌های تولید، تولید انبوه از طریق تخصیص نمودن تولید و توسعه بازار داخلی و بهبود کیفی تولید اقدامات لازم را به عمل آورد.

هر چند که روند تغییر DRC در مورد برخی از کالاها از جمله نخ اسپاندکس شرکت میعاد و پارچه گردباف شرکت قائم بافت و دامن و بلوز شرکت تعاونی شماره ۸۵۹ نشانگر حرکت در این راستا می‌باشد.

همان‌طور که اشاره شد اکثر واحدهای نساجی مورد بررسی از قدرت مزیت نسبی مناسب برخوردار بوده‌اند. شرکت‌های نخ ایلام، پروهان، زرچین بافت و ... از این قبیل هستند. این واحدها به دلیل خصوصی بودن

سطوح عالی تر، نتوانسته است اهداف مورد نظر را محقق سازد و این امر توانایی این سازمان را برای پیشبرد اهداف سازمان تنزل داده است. برای بار دیگر، جمهوری اسلامی ایران عضویت در "شورای همکاری خلیج فارس" را تقاضا نمود که به دلیل پاره‌ای از مسائل تاریخی این درخواست با موافقت اعضای شورای مزبور همراه نبود. در فضای منطقه‌ای به وجود آمده پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، عواملی چون ژئوپلیتیک منطقه، توانایی‌های بالقوه و بالفعل اقتصادی کشورهای تازه استقلال یافته، بازارهای جدید و منابع سرشار انرژی موجود در این کشورها باعث گردید تا این منطقه محور توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مانند چین، روسیه و آمریکا قرار گیرد.

فضای جدید ایجاد شده در منطقه در نتیجه فروپاشی ابرقدرت شرق این فرصت را در اختیار چین قرار داد تا از موقعیت پیش آمده حداکثر استفاده را نموده و با جمهوری‌های تازه استقلال یافته و کشور روسیه روابط جدید خود را تعریف نماید.

شرایط بین‌المللی و مشکلات داخلی و اقتصادی روسیه از یک سو و از سوی دیگر تمایل کشورهای تازه استقلال یافته جهت ایجاد اتحادها و اتفاق‌های منطقه‌ای به منظور کسب استقلال داخلی، ایجاد مشروعیت بین‌المللی، تحقق فرآیند ملت‌سازی و خروج از زیر سلطه روسیه نیز باعث شد تا شرایط بیش از پیش برای تشکیل یک سازمان فراگیر منطقه‌ای مساعد گردد. در دهه ۱۹۹۰ و پس از تغییر شرایط منطقه‌ای و نظام بین‌المللی، یک سلسله مذاکرات مربوط به اقدامات اعتماد سازی در سراسر نواحی مرزی میان کشورهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی و روسیه از یک سو و چین از سوی دیگر موجب شد تا نهاد منطقه‌ای با عنوان گروه "شانگهای پنج" با حضور پنج کشور چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان در ۲۶ آوریل ۱۹۹۶ شکل گیرد. در ژوئن سال ۲۰۰۱ و با افزودن ازبکستان به فهرست اعضا، "سازمان همکاری شانگهای" تأسیس گردید. (۱)

در ابتدا این سازمان به عنوان ترتیبات منطقه‌ای مطرح بود که با هدف توسعه اقدامات اعتمادسازی امنیتی در مرزهای کشورهای عضو، پایه‌ریزی گردید و کمتر به عنوان یک مکانیزم بین‌المللی مورد توجه جامعه جهانی قرار داشت؛ ولی به مرور در طی اجلاس‌های سران، سازمان مزبور تکوین و تحول ساختاری و عملکردی پیدا کرد و دامنه اهداف و سیاستگذاری‌های آن از اقدامات و مباحث امنیتی به موضوعات اقتصادی و همکاری سیاسی-تجاری توسعه یافت تا جایی که پس از برگزاری اجلاس سران در روسیه در سال ۲۰۰۳ و با تصویب نهایی اساسنامه و اعمال تغییرات لازم در هدف‌گذاری‌ها، به عنوان "سازمان همکاری شانگهای" رسماً از اول ژانویه ۲۰۰۴ اعلام موجودیت نمود و دبیرخانه سازمان در پکن رسماً شروع به کار کرد. (۲)

چین، روسیه، ازبکستان، تاجیکستان، قزاقستان و قرقیزستان اعضای دائم این سازمان و ایران، هند، پاکستان و مغولستان نیز اعضای ناظر آن می‌باشند. ایران از سال ۲۰۰۵ عضو ناظر این سازمان شده است و در پی عضویت دائم است. چین و روسیه نیز از عضویت دائم ایران حمایت کرده‌اند. "سازمان همکاری شانگهای" دو کشور بزرگ چین و روسیه را در خود جای داده است و این امر پتانسیل‌های بسیاری برای این سازمان فراهم ساخته است. این سازمان نخستین سازمان سیاسی-امنیتی با ابعاد اقتصادی است که ایران پس از انقلاب اسلامی در آن تقاضای عضویت

می‌نماید. با توجه به عضویت ناظر ایران در این سازمان و تقاضای عضویت دائم در آن، این مقاله فرصت‌ها و چالش‌های تجاری که این سازمان برای منافع ملی ایران ایجاد می‌کند مورد ارزیابی قرار می‌دهد. بنابراین در مقاله حاضر چهار سؤال زیر مورد کنکاش قرار می‌گیرد:

۱. از جهت تئوریک، عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای چه توجیهی دارد؟

۲. اهداف اساسی بانیان سازمان همکاری شانگهای چیست و این سازمان چه راهبرد تجاری را دنبال می‌کند؟

۳. فرصت‌های تجاری عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای چیست؟

۴. چالش‌های تجاری عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای چیست؟

۲- مبانی تئوریک

ایرانیان به خاطر روابط نامساعد قدرت‌های بزرگ با این کشور طی دو سده اخیر نسبت به محیط بین‌الملل و سیاست قدرت‌های بزرگ بدبین بوده‌اند، از این رو همیشه به دنبال مکانیسم‌هایی بوده‌اند که آثار منفی روابط با قدرت‌های بزرگ و امکان قربانی شدن منافع ملی ایران در برابر قدرت‌های بزرگ به حداقل برسد. بنابراین عضویت در سازمان‌های بین‌المللی منطقه‌ای بواسطه الزامات نهادی، قدرت‌های بزرگ را وادار می‌کند بیشتر جانب منافع اعضا را بگیرند. این مکانیسم درست چیزی است که تئوری نهادگرایی نئولیبرال قصد تبیین آن را دارد. نهادگرایی نئولیبرال به نقش سازنده نهاد‌های بین‌المللی در سیاست بین‌الملل مستقل از توزیع قدرت بین کشورها اعتقاد دارد. (۳) نهادگرایان نئولیبرال معتقدند که روابط بین‌الملل همیشه توأم با جوئی اعتمادی و فریب‌کاری بوده است و این امر مانع عمده‌ای در راه همکاری بین‌المللی ایجاد می‌کند. اما می‌توان با اندیشیدن سازوکارها و راهبردهایی به گونه‌ای از میزان بی‌اعتمادی حاصل از عدم اطلاعات کاست و هزینه‌های فریب‌کاری را افزایش داد، تا امکان حصول همکاری بین‌المللی میان کشورها خودخواه فراهم گردد. با اتخاذ راهبردهای تکرار تعامل (بازی)، ایجاد سایه آینده، مقابله به مثل و پیوند موضوعی از یک طرف و تاسیس نهادها و رژیم‌های بین‌المللی که امکان عملی شدن راهبردهای مذکور در آن‌ها وجود دارد از طرف دیگر، می‌توان بر مشکل فریب‌کاری و عهدشکنی غلبه کرد. (۴) با انجام بازی‌های مکرر و استمرار تعامل بین‌المللی، امکان مقابله به مثل افزایش می‌یابد و سایه آینده به وجود می‌آید که به نوبه خود هزینه فریب‌کاری را افزایش می‌دهد. در چنین شرایطی، بازیگران بر اساس تحلیل هزینه و سود، منفعت کوتاه‌مدت ناشی از عهدشکنی و فریب‌کاری را فدای سود فزون‌تر همکاری درازمدت خواهند کرد و دست به شروع و استمرار همکاری می‌زنند. در چارچوب نهادها و رژیم‌های بین‌المللی امکان اجرای راهبردهای مختلف فراهم می‌شود. نهاد‌های بین‌المللی به معنای الگوهای شناخته شده رفتار یا عمل است که حول آن، انتظارات بازیگران همگرا و به هم نزدیک‌تر می‌شود. (۵) این دسته از قواعد چهار تغییر را در محیط تعامل کشورها ایجاد می‌کنند که باعث تسهیل و تسریع همکاری می‌شود. اولاً، نهادها قادرند تعداد و میزان مبادلات بین کشورها را در طول زمان افزایش دهند و در صورت افزایش وابستگی‌های متقابل، هزینه عهدشکنی افزایش می‌یابد. ثانیاً، نهادها پیوند موضوعی را امکان‌پذیر می‌سازند. پیوند موضوعی انگیزه پیمان‌شکنی